

## چستی رویکرد ژئوپلیتیک

دکتر مراد کاویانی راد دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی

در بسیاری از متون جغرافیای سیاسی گزاره «رویکرد ژئوپلیتیک» به کار رفته است بی آنکه نویسنده (گان) از گزاره یاد شده تعریف و تفسیری به دست داده باشد. دست کم طی چند سال گذشته یکی از دلمشغولی های نگارنده گزاره یاد شده بوده است همچنین در گفتگوهایی که تا کنون با دانشجویان و پژوهشگران این حوزه داشته ام بارها درباره این موضوع پرسش و چالش به میان آمده است. در نوشتار پیش روی کوشش بر آن است که گزاره «رویکرد ژئوپلیتیک» واکاوی شود. در متون پیش گفته که در بخش «آخرین دیدگاهها» وب گاه انجمن ژئوپلیتیک آمده است نویسنده بارها بر همسانی و یگانگی دو دانش واژه جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک پای فشرده است. بر بنیاد تعریفی که نگارنده از جغرافیای سیاسی یا ژئوپلیتیک به دست می دهد «علمی است که ابعاد سیاسی فضای جغرافیایی را در قالب کُنش متقابل مناسبات قدرت (در ابعاد همزیستی، هموردی، کشمکش، تنش و جنگ) با قلمرو (فضا و سرزمین) و قلمرومندی (قلمروخواهی، قلمرو سازی و قلمروداری) انسان مطالعه می کند» که شرح مفصل آن عمدتاً در فصل ششم کتاب فلسفه جغرافیای سیاسی آمده است.

وجود سه متغیر کُنش متقابل مناسبات قدرت، قلمرو و قلمرومندی، مسائل و رویدادهای جغرافیای سیاسی یا ژئوپلیتیک در مقیاس خرد تا کلان (فروملی تا جهانی) از رخدادها و مسائل علوم همسایه (علوم سیاسی، روابط بین الملل و جامعه شناسی) متمایز می کند. از آنجا که «میل به بقا» و «میل به بهزیستی» در کانون توجه کنشگران و بازیگران جغرافیای سیاسی است و این مهم از رهگذر «شناخت وضع موجود به ویژه در بخش بنیادهای قدرت و مناسبات قدرت»، «ارزیابی منافع و مصالح در وضعیت کنونی و آینده» و «داشتن راهبرد برای پاسداشت وضع موجود یا دگرگون سازی آن» ممکن است. قلمروداران ناگزیر از چنین متغیرهای ژئوپلیتیک در سپهر گفتمان هایی هستند که کم ترین هزینه و بیتشرین دستاورد در امور امنیتی و رفاهی برای شهروندان داشته باشد. به دیگر سخن، آنچه اصالت دارد امنیت و رفاه جامعه است که دست یابی به آنها در قالب طیفی از مناسبات قدرت (از همزیستی تا جنگ) کاربرد می شود. برای نمونه امروزه گفتمان امنیت فراگیر و قلمروداری دموکراتیک در کانون گفتارهای جهانی هستند و هر گونه موضع گیری بیرون از این چهارچوب به منافع و مصالح کنشگران جغرافیای سیاسی آسیب می رساند. بر این پایه، رویکرد ژئوپلیتیک در پیوند با تصور ژئوپلیتیک کنشگران قدرت از مناسبات قدرت در مقیاس های مختلف و چینی است که از متغیرهای ژئوپلیتیک برای تقویت قدرت یا پاسداشت وضع موجود به کار می برند. از این رو، رویکردهای ژئوپلیتیک عمدتاً ماهیت گفتمانی دارند که به فراخور پیشرفت فناوری و صنعت و دگرگونی های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی طی زمان جلوه و نمودی نو می یابند. از دیگر سو، درهم تنیدگی مقیاس ها و اثرپذیری و اثرگذاری رویدادها و مسائل جغرافیای سیاسی، قلمروداران در مقیاس فروملی تا جهانی را ناگزیر به ارج گذاری به ارزش های جهانی در حوزه قلمرداری دموکراتیک، محیط زیست، حقوق شهروندی، کارآمدی، پاکدستی، گسترش زیرساخت های آموزش همگانی به ویژه در بخش فناوری های نو، توجه به افکار همگانی و آزادی بیان، پیکار با تهدیدهای نو پدید، صلح، تروریسم و غیره کرده است. بر این بنیاد، در همتیدگی مقیاس ها و گفتمانی بودن رویکردهای ژئوپلیتیک، فرصت ها و تهدیدهای بسیاری در برابر کنشگران جغرافیای سیاسی گشوده است و اینجاست که هنر راهبردشناسان (استراتژیست ها) و جغرافی دانان سیاسی در چنین متغیرهای ژئوپلیتیک در مقیاس های گوناگون جغرافیای آشکار می شود که کدام گزینه را با کمترین هزینه و بیشترین دستاورد برای پاسداشت مصالح و منافع شهروندان برگزینند.